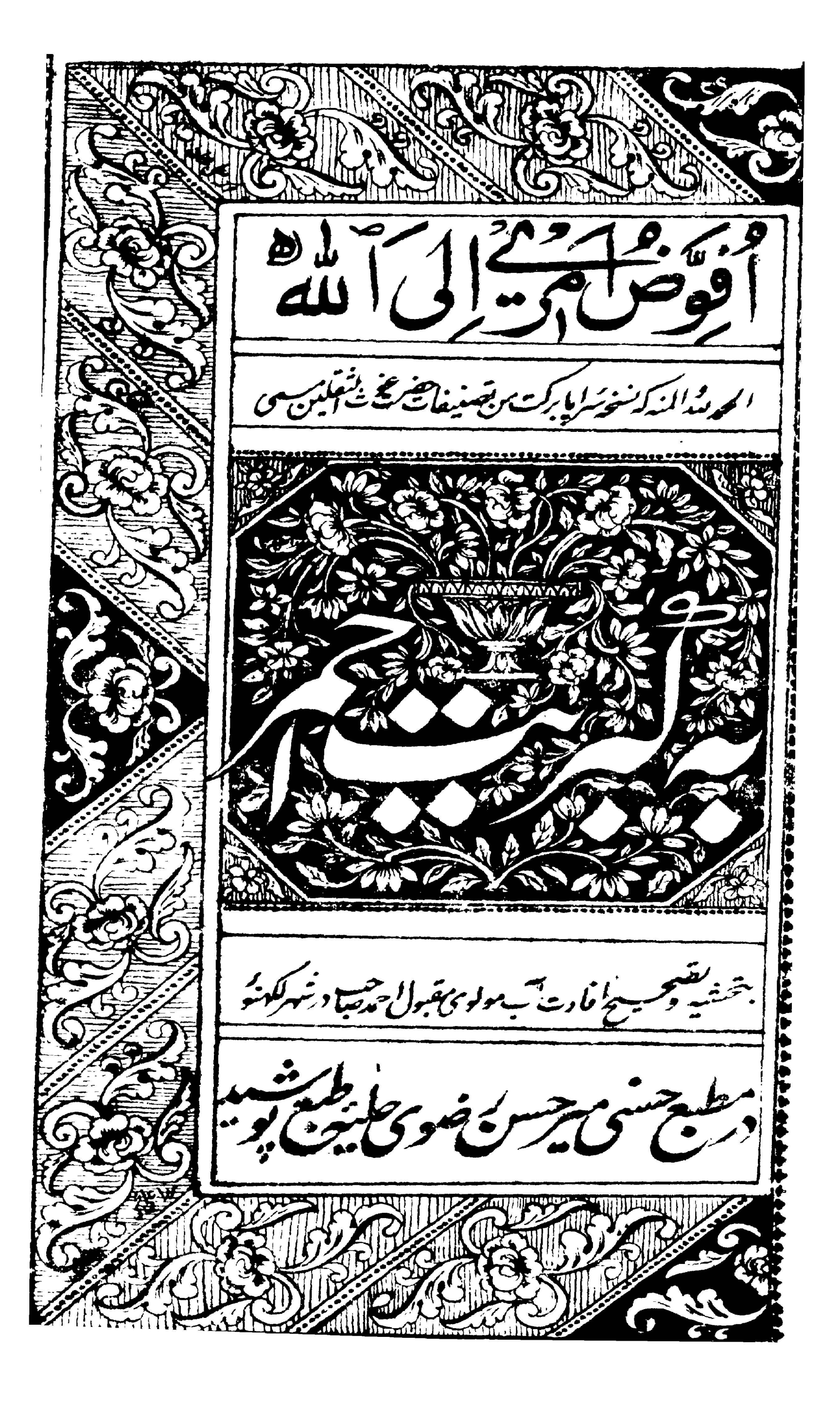

اُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللّٰہ
الحمد للہ المنہ کہ نسخہ سراپا برکت من تصنیفات حضرت غوث الثقلین مسمی
بتحشیہ و تصحیح افادت مآب مولوی مقبول احمد صاحب در شہر لکھنؤ
در مطبع حسنی میر حسن رضوی حلیۂ طبع پوشید

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله العلی الاعلی والسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد فهذا اکسیر اکبر فی مقدمات
الکبریت الاحمر مرتب علی ثلثة فصول کلها عند الفحول مقبول **فصل اول** در تحقیق
اسم اعظم در مجمع السلوک مخدوم شیخ سعد قدس سره مرقوم است که او تعالی را چهار هزار
اسماست بیک هزار جن و ملک تسبیح میکنند و بیکهزار وحوش و طیور و نهصد انبیاء علیهم
السلام و نود و نه همه امم و عوام ناس و یک نام بجز خدا کسی نمیداند و همان اسم اعظم
است و موید این قول است انچه در تفسیر عزیزی مسطور است که او تعالی هاروت و ماروت
را اسم اعظم آموخته تا از برکت آن زمین آیند و باز روند و از ایشان بهره حاصل کرده
بالاخر رسیده اگر هر کس میدانست حاجت تعلیم و تعلم و این خصوصیت چه بود والله اعلم
از حضرت غوث الاعظم منقولست که الله اسم اعظم است بشرط آنکه بگوئی الله نباشد در دل
غیر خدا و شیخ عبد الحق دهلوی در رساله مطلب الاعلی فی شرح الاسماء الحسنی می نگارد که
بقولی اسم اعظم بسم الله الرحمن الرحیم است حضرت غوث الاعظم فرموده اند که بسم الله
از عارف مانند حرف کن است از پروردگار انتهی امام فخر الدین در حدیثی روایت

کرده که هر که در عمر خود بقصد یا بسم الله الخ بخواند خدای تعالی او را از
آتش دوزخ آزاد کند و در مجموعهٔ خانی آورده که در عهد امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه
عربیان سلمی را در جنگ گرفتند و عقوبتها کردند تا مرتد شود در روغن گرم کرده
او را انداختند او بسم الله الرحمن الرحیم گفت و روغن سرد شد او سلامت
ماند حق سبحانه این اسم اعظم از انبیاء پیشین دو پیغمبر را عنایت کرده یکی
از آن نوح علیه السلام را که هنگام سواری کشتی فرمود بسم الله مجریها و مرسیها
دوم حضرت سلیمان که گفت إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
الرَّحِيْمِ فصل دوم در فضائل درود و خواص فوائد و برکات آن بدانکه
معنی صلوة اگر از جانب حق باشد رحمت است و از غیر خدا طلب رحمت ترجمهٔ معنی اللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ اینست که بار خدایا تعظیم کن محمد صلی الله علیه و آله وسلم را در دنیا باعلاء
ذکر او و در آخرت با بقاء شریعت و عطای درجهٔ شفاعت مسئله باتفاق علماء
صلوة بر آنحضرت واجبست اما اختلاف در مقدار است نزد مالک در تمام عمر یکبار و زائد
بر آن مستحب و نزد شافعیه در تشهد اخیر واجب باشد و امام اعظم را سنت مسئله در وقت استماع اسم مبارک
مقتضی آنست که در یک مجلس گوینده نام نامی تکرار یابد در وی یکبار واجبست و نزد بعضی هر بار واجبی بر آنکه
از یکنوبت تا سه نوبت واجبست باقی سنت مسئله امام نووی گفته که افضل درودها این درود است
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَعَلٰى
اٰلِهٖ وَاَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَعَلٰى

عَلَى آلِ اِبْرَاهِيْمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدِنِ النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَّ
اَزْوَاجِهٖ وَذُرِّيَّتِهٖ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى اِبْرَاهِيْمَ وَعَلَى آلِ اِبْرَاهِيْمَ فِي الْعَالَمِيْنَ
اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ چرا که جامعست جمیع طرق احادیث صحیحه را مسئله فوائد درود بسیار است
و در ترغیب اهل السعادات عبد الحق دهلوی و تحفة الصلوة مولانا کاشفی و الاستیعاب مذکور است
نبذی از آن مذکور میکنیم سلامتی دین و معیشت بر اسلام ازاله امراض و دفع آفات و ارتفاع تهمت و مزید محبت
و حسنه محو ده سیئه رفع ده درجه در حسنات و قضاء حاجات مغفرت گناهان صفائی قلب یاد آمدن فراموش
شده و جبر مافات از نوافل وسعت روزی ادای قرض رفتن وسواس مغفرت گناه مادر و پدر
امن از زوال و دردمندگان زیادت خیر و بر پل صراط تحریم جسد مصلی بر نار قبول دعا وجوب
شفاعت سید الانبیاء رسیدن نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم قبل
از دیگران در قیامت درود فرستادن خدا و ملائکه بر وی نجات از هول رستخیز
خلاص از مهالک دنیا و از اعظم فوائد و اهم مقاصد مذکور شدن اسم
درود فرستنده پیش آنحضرت کائنات و مشرف شدن آن خلاصهٔ موجودات
و در روض الاخضر از شیخ زین الدین علی مرویست که ما تجربه کردیم در هر کاری
که توسل بحضرت رسالت نموده درود بسیار فرستادند بر وی ساخته و
پرداخته شده و سر در ان آنست که درود مقبولست بی شبهه و ذات او تعالی
کریم است و از سوال کسی چیزی را اجابت کردن و باقی را گذاشتن خلاف
شان کرامت است لهذا فرموده اند که اول و آخر هر دعا درود را ضم کنند

فصل سوم در مناقب محبوب سبحانی و حسب و نسب شریف بیت

فردی چراغ خانهٔ اثنی یعنی حسنین را تو نور العینی لمؤلفه دُر یگانهٔ دریای
مجمع البحرین سراج بیت حسن گردیدهای حسین + تراب کوی تو کحل الجواهر عرفان
ابو تراب ترا جد و را تو نور العین + قدم به پای نبی گشتی تو از آن شد بگردن هر یکی ولی
قدم نبی بنهاد + بعلم باطن حق پی نبرده وهم و گمان + امام و مجتهدی ز تو شرع یافته زین +
کمال آن بهتر قبول حق ز حق نیست + زیارت تو فراغ دل او دانی این + و حضرت قطب الدین
بختیار کاکی فرموده سه بسم الله کنم آغاز مدح شاه جیلانی + بر قدش درست آمد لباس
اعظم الشانی و له قبلهٔ اهل صفا حضرت غوث الثقلین + دستگیر همه جا حضرت غوث الثقلین +
لقبش محی الدین نام پاکش عبد القادر بن میر ابو صالح بن موسی بن عبد الله بن یحیی زاهد
بن سید محمد رومی بن داود بن موسی ثانی بن سید عبد الله بن موسی بن عبد الله محض بن
سید محمد المعروف بحسن مثنی بن امام حسن از حضرت غوث الاعظم تا جناب امام حسن
یازده پشت در میان است شاید که اختیار عدد یازده در سلسلهٔ قادریه از همین جا ست
و نسب آنحضرت از جانب مادر بی بی فاطمه بنت شیخ عبد الله صومعی بن سید
ابو الجمال ولد سید ابو محمد بن سید احمد بن سید طاهر بن سید عبد الله
بن سید کمال بن سید علی بن علاء الدین محمد بن امام
جعفر صادق بن امام محمد باقر بن حضرت
امام زین العابدین بن حضرت امام حسین علیهم السلام تولد

تولد آنجناب در سال چهارصد هفتاد و یک و وفات در پانصد و شصت و
دو نهم یا یازدهم ربیع الآخر و الاول اصح عند الاکثر و الثانی اشهر و قیل
هفدهم شهر مذکور کذا قال الشیخ عبد الحق فی ما ثبت من السنة و کرامات آنحضرت
که بعینه معجزهٔ نبی است بیرون از حصار است از کتاب درر المفاخر فی مناقب عبد القادر
باید دریافت و نیز در مناقب غوثیه بسیاری از آن مرقوم است این مختصر گنجایش
ندارد لاجرم بذکر بعض سامعان را از سعادت محروم نمیگذارد روزی در محفل خود
در عین صحو نه سکر ارشاد فرمودند قَدَمِی عَلٰی رَقَبَةِ کُلِّ وَلِیِّ اللّٰهِ جمله
حاضران مجلس شریف و دیار منیف سر فرو بردند و گفتند نعم نعم از خواجه قطب الدین
منقولست که من در آنوقت بحضور خواجه معین الدین چشتی در اجمیر بودم ناگاه
خواجه بزرگ سر خود را فرو کرده فرمودند که بَلْ عَلٰی حَدَقَةِ عَیْنِی پرسیدم
ای شیخ این چه حالت است بر این واقعه مرا مطلع گردانیدند و شاه بدیع الدین مدار
میگفتند که این کس را مرتبه ورای الوری حاصل است و اگر نبوت ختم نشده بودی بر این کس
میشد و اینمرتبه اولیاء معدوده را حاصل شده شیخ عبد الحق دهلوی
در ترجمهٔ مشکوة می نگارد که حقیر در محفل وعظ آنحضرت حاضر میشد
ناگاه میفرمودند یَا اِسْرَائِیْلِی اِسْمَعْ کَلَامَ الْمُحَمَّدِی و از شطحیات آنجناب
است اَنَا الرَّءُوْفُ بلکه وجه گفتن قدمی آنکه همین ارشاد فرمودند که
در شب معراج روح مرا پروردگار بصورت بساط نورانی فرستاد

تا جب خود را سوار کرده تا حجاب کبریا رسانند آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم مسرور

شده مرا دعا کردند که قدم من بر گردن تو و قدم تو بر گردن سائر اولیا والله

اعلم بالصواب و قصه انحراف شیخ صنعان و ابن جوزی محدث و بعده عفو

تقصیر در کتب مطوله مسطور است و در روض الاخضر نوشته که از اکابر معجزات

رسول کائنات که بعد آنحضرت بوقوع آمده ظهور دو بزرگوار است یکی ابو حنیفه

کوفی رح دوم شیخ عبد القادر جیلانی رض وجه لقب محی الدین خود از آنجناب

منقول است که در حالت سیاحت روزی وارد بغداد شدم شخصی دیدم در نهایت

ضعف و نقاهت و زردی رنگ بیماری که طاقت نشست و برخاست نداشت

از من گفت دستگیری من کن مرا رحم آمده دستش گرفته استاده کردم

فوراً صحیح و سالم و توانا و سرخ و سپید گردید و گفت من دینم که بعد از زمانه

نبی نهسره و علیل شده بودم او تعالی زندگی من دوباره از دست تو کرده

نامت از امروز محی الدین است و کرامت احیای موتی و

وسعت رزق وغیره بکرات و مرات

از آنجناب بوقوع آمده والله اعلم

اَللّٰهُمَّ احْشُرْنَا فِیْ زُمْرَةِ

اَوْلِیَائِهٖ

تمت



اُفوّضُ امری الی اللّٰہ
الحمد للہ المنۃ کہ نسخہ سراپا برکت من تصنیفات حضرت غوث الثقلین مسمی
بتحشیہ وتصحیح افادت مآب مولوی مقبول احمد صاحب در شہر لکھنؤ
در مطبع حسنی میر حسن رضوی خلعت طبع پوشید

ما نها خوانده باشد و در جواهر التفسیر آورده که بحضرت داود خطاب کبریا در رسیده که ای داود چون بلفظ اللهم تلفظ نمائی گویا مرا بهمه اسما یاد کرده باشی ۱۲ پس مناسب است که وقت درود مومنان باین کلمه متکلم شوند و از اتفاقات حسنه آنکه در بین درود بارده جا لفظ اللهم واقع شده و

بسم الله الرحمن الرحيم

شروع کرتا ہون ساتھ نام اللہ بڑی مہربان نہایت رحم والی کی

اللهم اجعل افضل صلواتك عددا وانمى بركاتك

ای خدا نازل کر تو بہترین درودون اپنی کو گنتی مین اور زیادہ کر برکتون اپنی کو

سرمدا وازكى تحياتك فضلا وعددا على اشرف الحقائق

ہمیشہ اور پاکیزہ تر تحفون اپنون کو ازروی زیادتی کی اور پر بزرگترین اصلون

الانسانية ومعدن الدقائق الايمانية وطور التجليات

انسان کی اور کان باریکیون ایمان کے اور کوہ بزرگ روشنیون

الاحسانية ومهبط الاسرار الرحمانية وواسطة عقد النبيين و

احسان کی اور جگہہ اوترنی بہیدن خدا کی پیوند دینی والی گرہ پیغمبرون کی

ومقدم جیش المرسلین وافضل الخلائق اجمعین

ہراول لشکر پیغمبرون کی اور بہترین مخلوقات کی تمام

حامل لواء العز الاعلى ومالك ازمة الشرف

اوٹھانیوالی جھنڈی بزرگی بڑی کی اور مالک مہارون بزرگی

الاسنی شاهد اسرار الازل ومشاهد انوار

روشنتر کی واقف بھیدون ازل کی اور دیکھنی والی نورون

السابق الاول وترجمان لسان القدم ومنبع

اگلی پہلے کی اور بیان کرنیوالی زبان ہمیشگی کی اور چشمہ

العلم والحكم ومظهر سر الجود الجزئی و

علم اور حکمتون کی اور جای ظہور بھید بخشش تھوڑی اور

الكلی وانسان عين الوجود العلوی

بہت کی اور پتلی آنکھ ہستی بلند

والسفلی وروح جسد الكونين وعين

اور پست کی جان جسم دونون جہان کی اور اصل

حياة الدارين المتخلق باعلى رتبة

زندگی دنیا اور آخرت کی خوگیر ساتھہ برترین رتبہ

العبودية المحقق باسرار المقامات الاصطفائية

بندگی کرنیکی ثابت اراستہ ساتہہ بہیدون مقاموں برگزیدہ کی

سيد الاشراف وجامع الاوصاف الخليل

سردار بزرگوں کی اور جمع کرنیوالی وصفوں دوست

الاعظم الحبيب الاكرم المخصوص باعلى

بڑی کی دوست رکہی گئی بزرگتر خاص کیی گئی ساتہہ برتر

المراتب والمقامات المؤيد باوضح

مرتبوں اور مقاموں کی مدد کیی گئی ساتہہ روشنترین

البراهين والدلالات المنصور بالرعب

دلیلوں اور رہنمائیوں سے مدد کیی گئی ساتہہ دہشت

والمعجزات الجوهر الشريف الابدي والنور

اور معجزوں کی جوہر بزرگ دائمی اور نور

القديم المحمدي سيدنا محمد المحظي في الايجاد و

قدیم محمدی سردار ہمارے محمد پسندیدہ بیچ پیدائش اور

الوجود الفاتح لكل شاهد ومشهود

ہستے کی ابتدا کرنیوالی ہر ایک دیکھنی والی اور دیکھی گئی سے

حضرت المشاهد والشهود نور كل شيء

درگاه امکانون روشنی اور ظاهر هونیکی نور هر چیز کی

وهداه وسر كل سر وسناه الذي به تشققت

اور رهنما اوسکے اور بهید هر بهید کی اور روشنی اوسکی وه ذات کہ شق کیگئی

منه الاسرار وانفلقت منه انوار السر

اوس سے بهید اور روشن هوی اوس سی نور بهید

الباطن والنور الظاهر السيد الكامل

باطن کی اور نور ظاهر کی سردار پورے

الفاتح الخاتم الاول الاخر الباطن الظاهر

ابتدا کرنیوالی تمام کرنیوالی اول آخر پوشیده ظاهر کی

العاقب الحاشر الناهي الامر الناصح الناصر الصابر

پیچهی آنیوالی اوٹهانیوالی منع کرنیوالی حکم کرنیوالی پند دینی والی مدد کرنیوالی صبر کرنیوالے

الشاكر القانت الذاكر الماحي الماجد العزيز

شکر کرنیوالی دعا مانگنی والی یاد کرنیوالی مٹانیوالی بزرگ غالب پیاری

الحامد المؤمن العابد المتوكل الزاهد

حمد کرنیوالی گرویده عبادت کرنیوالی توکل کرنی والی زهد کرنی والی

القائم الساجد التابع الشهيد الولي الحميد

کھڑی نماز مین سجدہ کرنیوالی تابعدار گواہ دوست خدا ستودہ

البرهان الحجة المطاع المختار الخاضع

دلیل روشن اطاعت کیی گئی برگزیدہ عجز کرنیوالے

الخاشع البر المستنصر الحق المبين طٰه يٰس

نیک مدد چاہی گئی راست روشن

المزمل المدثر سيد المرسلين وامام المتقين

کمل پوش چادر لپیٹنی والی سردار پیغمبرونکی اور پیشوا پرہیزگارونکی

وخاتم النبيين وحبيب رب العالمين

اور ختم کرنیوالی نبیون کی اور دوست پروردگار تمام دنیا کی

النبي المصطفىٰ والرسول المجتبىٰ الحكم

پیغمبر برگزیدہ اور بھیجی گئی برگزیدہ منصف

العدل الحكيم العليم العزيز الحليم

عادل دانا بہت دانا پیاری متحمل

الرؤف الرحيم نورك القديم وصراطك

بڑی مہربان بخشنی والی نور قدیم تیری اور راہ تیری

المستقيم محمد عبدك ورسولك وصفيك و

جو سیدھا ہی محمد بندی تیری اور بھیجی تیری اور مقبول تیری اور

خليلك وحبيبك ووليك ونبيك وامينك ودليلك

دوست تیری اور حبیب تیری اور ولی تیری اور نبی تیری اور امانت دار تیری اور رہنما تیری

ونجيك ونخبتك وذخيرتك وخيرتك امام الخير

اور ہمراز تیری اور برگزیدہ تیری اور ذخیرہ تیری اور مختار تیری پیشوا نیکی کی اور

قائد الخير ورسول الرحمة النبي الامي العربي القرشي

کھینچنے والی نیکی کی اور بھیجی ہوئی واسطے رحمت کی پیغمبر ناخواندہ رہنی والی عرب کی قبیلہ قریش

الهاشمي الابطحي المكي المدني التهامي

والا مین ہاشم کی رہنی والی بطحی کی اور مدینی کی اور تہامہ کی

الشاهد المشهود الولي المقرب العبد

گواہ گواہی دی گئی دوست نزدیک بندی

المسعود الحبيب الشفيع الحسيب

نیک دوست سفارش کرنیوالی صاحب حسب

الرفيع المليح البديع الواعظ

بلند رتبہ نمکین نادر وطرفہ نصیحت کرنیوالے

الْبَشِيرِ النَّذِيرِ الْعَطُوفِ الْحَلِيمِ الْجَوَادِ

مژدہ پہنچانیوالی ڈرانیوالی بہت مہربان متحمل بہت دینی والی

الْكَرِيمِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ

بخشش کرنیوالی خوشبو و پاک برکت دی گئی صاحب مرتبہ

الصَّادِقِ الْمُصَدَّقِ الْأَمِينِ الدَّاعِي إِلَيْكَ

سچی سچا کہی گئی امانت دار بلانیوالی خلق کی طرف تیری

بِإِذْنِكَ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ الَّذِي أَدْرَكَ الْحَقَائِقَ

حکم تیری سی چراغ روشن ایسی کہ جس سی جانا اصل چیزون کو

بِجُمَّتِهَا وَفَاقَ الْخَلَائِقَ بِرُمَّتِهَا وَجُمْلَتِهِ

تمام و کمال اور بالا ہوی مخلوقات پر ساری اور کیا تو نے اونکو

حَبِيبًا وَنَاجِيَتَهُ قَرِيبًا وَأَدْنَيْتَهُ رَقِيبًا

دوست اور بھید ار کیا تو نی اونسی نزدیک اور نزدیکی دی تو نی اونکو در حالیکہ نگہبان

وَخَتَمْتَ بِهِ الرِّسَالَةَ وَالدَّلَالَةَ وَالْبِشَارَةَ

اور ختم کیا تو نی اونپر پیغمبری اور رہنمائی اور خوش خبری

وَالنِّذَارَةَ وَالنُّبُوَّةَ وَنَصَرْتَهُ

اور ڈرانا اور پیغمبری کو اور مدد کی تو نی اونکی

باید دانست که از صفحهٔ آینده شرح در معجزات مشهور که ثابت است
و بی بیان تلمیحات پی بردن معنی آن از مشکلات لاجرم بنا بر آن حاشیه صفحهٔ مذکوره
باقی در بیان تلمیحات نگاشته شد ۔ **معجزهٔ نطق گرگ** ۔ این معجزه در ابتدای بعثت
نطهور آمده که گرگی در پی آهوئی افتاد و آهو در حرم گریخت گرگ خارج حرم آمده استاد
ابوسفیان و مخرمه بن نوفل این حال دیده متعجب شدند گرگ گفت چه تعجب دارید ازین امر
عجیب تر آنکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم شما را دعوت میکند اجابت نمیکنید پس آنگرگ
آنجناب را بمجد بلیغ ستود آنها در و سنگدل از غایت حسد کسی ظاهر نکردند تا اسلام نیاوردند
معجزهٔ استن حنانه در صحیح بخاریست که آنحضرت پشت مبارک در وقت خطبه و وعظ
بر ستونی میگذاشتند چون منبر ساخته شد آنحضرت بر منبر برآمدند ستون ناله آغاز کرد آنحضرت از
منبر فرود آمده او را معانقه کرده فرمودند اگر میخواهی گفت از شجر تو فرمود اگر خواهی ترا بدعا
کنم تا او تعالی ترا در دنیا شجر باردار کند یا در بهشت رسته گردی آن ستون آخرت بر دنیا اختیار
کرد ای غافل تو امروز طلب عقبی کم از چوب خشک نباشی **معجزهٔ نطق ذراع مسموم** است
که عورتی از قبیله یهود بزغاله بریان کرده زهر در وی آمیخته هدیه آورد آنحضرت بازوی آنرا
برای تناول برداشت حاضران نیز دست دراز کردند پس فرمود دست نگه دارید این که ذراع خبر داد مرا که
زهر در وی است ۔ **معجزهٔ تکلم شتر** ۔ این معجزه در محل بسیار واقع شده از انجمله
شتری آمده سجده کرد آنحضرت بر سر او دست نهاده فرمودند که این شتر گله کرد از کثرت عمل و قلت علف
احسان کنید در حق او و یکبار شتری شکایت قوم خود کرد که پیش از نماز عشا بخواب میروند

آنحضرت را ایشان از آن نهی فرمود تکلّم کوهها هرگاه آنحضرت صلعم بجانب
غار حرا توجه میفرمود کوهها از هر طرف عرض سلام میکردند که السّلام علیک یا رسول الله ۱۲ کشتن
وتسبیح سنگریزها در دست قدس مشهور است و در تحقیق بحثهای سنگ گل ۱۲ معجزهٔ کلام
اشجار یکی آنکه درختها هم بروش سنگها سلام میکردند دیگر از انس بن مالک رض مرویست
که در واقعهٔ اُحد چون کفّار دندان مبارک شهید کردند کوفتی ببدن همایون رسید
سر را بگوشهٔ ردا کشیده جبرئیل بحکم رب جلیل آمده گفت که بنمائیم ترا از آیات پروردگار
بخوان این درخت را پس بخواند آنحضرت درخت بمجرد امر حاضر شد و بحکم عود باز رفت
رواه الدیلمی بریده روایت کرده که معجزه طلب کرد اعرابی پس آنحضرت صلی الله علیه و
آله وسلم درختی را طلب کرد اعرابی گفت بفرما تا باز رود بارشاد مبارک بر جای خود رفت
اعرابی ایمان آورد ۱۲ و جوشیدن آب از اصابع فیض منابع آنحضرت بارها
بوقوع آمده از آنجمله اکثری بحد تواتر رسیده انس روایت کرده که در غزوهٔ حنین مردم
برای نماز عصر آب نیافتند بحضور آنجناب شتافتند و بود نزد آنحضرت صلعم آب
بقدر یکوضو پس نهاد دست عالی در آن ظرف جاری شد آب از میانهٔ انگشتان
که تا صد کس وضو ساختند کذا فی الصحیحین ۱۲ و نیز انس رض میفرماید که بودیم در غزوهٔ
تبوک در حضور تشنه شدند مردم و دواب پس فرمود آیا هست چیزی از آب
صحابی مشکی آورد که دران اندک آب بود و بارشاد والا در کاسه
ریخت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم دست دران نهاد پس سیراب

ونصرته بالرعب وظللته بالسحب وردت له

اور مدد کی تو نی او نکی ساتھہ دہشت کی اور سایہ کیا تو نی او نکو ابر کا اور پہیرا گیا واسطی او نکے

الشمس وشققت له القمر وانطقت

آفتاب کو اور شق کیا تو نی او نکی لیی چاند اور گویا کیا تو نے

له الضب والظبي والذئب والجذع

واسطی او نکی سوسمار اور ہرن اور بہیڑیا اور شاخ درخت

والذراع والجمل والجبل والمدر والشجر

اور بازو اور اونٹ اور پہاڑ اور ڈہیلا اور درخت

وانبعت من اصابعه الماء الزلال وانزلت

اور نکالا تو نی او نگلیون او نکی سی پانی میٹہا اور نازل کیا تو نی

من المزن بدعوته في عام المحل والجدب

ابر سفید سی دعا او نکی سی بیچ سال قحط کے

وابل الغيث والمطر فاعشوشب منه القفر و

بڑی بوندون کا مینہہ برسا پس ہری ہوئی اوس سی زمین سوکہی اور

الصخر والوعر والسهل والرمل والحجر واسترية

پتہریلی اور زمین کڑی اور زمین نرم اور ریگستان اور پتہر اور لنگیا اونکو

لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الی

ایک رات مسجد کعبہ سے مسجد اقصی تک

السموات العلی الی سدرة المنتهی الی قاب

آسمانون بلند تک سدرة المنتہی تک اور مقام تک کہ فرق

قوسین او ادنی وارئیته الایة الکبری

دو گوشہ کمان کا یا کم تہا اور دکہایا تونی اونکو نشانی بڑی مراد معراج

وانلته الغایة القصوی واکرمته بالمخاطبة

اور پہنچایا تونی اونکو نہایت مرتبہ دور تر کو اور بزرگی دی تونی اونکو ساتہہ باتین کرنی

والمراقبة والمشافهة والمشاهدة و

اور نگہبانی کی اور روبرو ہونی کے اور حضور مین جانیکی اور

المعائنة بالبصر وخصصته بالوسیلة العظمی

دیکہنی کی بینائی سے اور خاص کیا تونی اونکو ساتہہ وسیلہ نزدیکی بڑی کی

والشفاعة الکبری یوم الفزع الاکبر

اور سفارش بڑی کے دن خوف بڑی کے

فی المحشر وجمعت له جوامع الکلم

بیچ قیامت کی اور جمع کیا تونی واسطے اونکی جمع کرنیوالی باتین

وَجَوَاهِرِ الْحِكَمِ وَجَعَلْتَ أُمَّتَهُ خَيْرَ الْأُمَمِ

اور جواہر حکمتوں کی اور کیا تو نے اونکی امت کو بہترین امتوں کی

وَغَفَرْتَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ الَّذِي

اور بخشا تو نے واسطے اونکی جو اگلی کبھی تہی گناہ اور پچھلی وہ کہ

بَلَّغَ الرِّسَالَةَ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَنَصَحَ الْأُمَّةَ وَ

پہنچایا اونہوں نے احکام پیغمبری کی اور ادا کی امانت اور نصیحت کی امت کو اور

كَشَفَ الْغُمَّةَ وَجَلَى الظُّلْمَةَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ

دور کیا غم اور روشن کیا تاریکی کفر کو اور کوشش کی بیچ راہ

اللهِ وَعَبَدَ رَبَّهُ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ اللّٰهُمَّ

خدا کی اور عبادت کی پروردگار اپنی کی تا کہ آئی اونکو یقین ای بار خدایا

ابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ فِيهِ الْأَوَّلُونَ

رکھہ تو اونکو بیچ مقام نیک کی کہ رشک کریں بیچ اوسکی نبی اسگلے

وَالْآخِرُونَ اللّٰهُمَّ عَظِّمْهُ فِي الدُّنْيَا بِإِعْلَاءِ ذِكْرِهِ وَ

اور پچھلی ای خدا بڑائی دی تو اونکو بیچ دنیا کی ساتھہ بلند کرنی ذکر اوسکیکی اور

إِظْهَارِ دِينِهِ وَإِبْقَاءِ شَرِيعَتِهِ وَفِي الْآخِرَةِ بِشَفَاعَتِهِ

ظاہر کرنی دین اوسکیکی اور قائم رکھنی شریعت اوسکی اور بیچ آخرت کی ساتھہ شفاعت اونکی کی

فِي أُمَّتِهِ وَأَجْزِلْ أَجْرَهُ وَمَثُوبَتَهُ وَأَبْدِ فَضْلَهُ

بیچ امت اونکی کی اور بہت دے تو مزدوری اور ثواب اونکو اور ظاہر کر تو زیادتی اونکی

لِلْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ بِالْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَتَقْدِيمِهِ عَلَى

سب پہلوں اور پچھلوں کی لیے دینی مقام اچھی سے اور مقدم کرنی اونکی سے اوپر

كَافَّةِ الْمُقَرَّبِينَ الشُّهُودِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ

تمام نزدیکیوں حاضروں کی ای خدا قبول کر شفاعت

الْكُبْرَى وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ الْعُلْيَا وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ فِي الْآخِرَةِ

بڑی اونکی اور مرتبہ بلند کر اونکا جو بہت بلند ہے اور دے تو اونکو مطلب اونکی بیچ آخرت

وَالْأُولَى كَمَا آتَيْتَ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ

اور دنیا کی جیسا کہ دیا تونے ابراہیم اور موسی کو ای خدا کر تو اوسکو

مِنْ أَكْرَمِ عِبَادِكَ عَلَيْكَ شَرَفًا وَمِنْ أَرْفَعِهِمْ

بڑی بزرگ بندوں اپنی سے اوپر تیری از راہ بزرگی اور بلند تر اونکی

عِنْدَكَ دَرَجَةً وَأَعْظَمِهِمْ خَطَرًا وَأَمْكَنِهِمْ عِنْدَكَ

نزدیک اپنی از روی مرتبہ کی اور بزرگ تر اونکی سے از روی قدر کی اور توانا تر اونکی سے نزدیک اپنی

شَفَاعَةً اللَّهُمَّ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَأَفْلِجْ

از روی شفاعت کی ای خدا بزرگ کر دلیل اونکی اور ظاہر کر

وَأَبْلِجْ حُجَّتَهُ وَأَبْلِغْهُ مَأْمُولَهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ

اور ظاہر کر تو دلیل حجت اوسکی اور پہنچا تو اوسکو آرزو اوسکی بیچ اہل خانہ اوسکی کی اولاد اوسکے

اللّٰهُمَّ أَتْبِعْهُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ

ای خدا پیچھے بھیجا تو اولاد اوسکی اور امت اوسکی سے وہ چیز کہ روشن ہو اوس سے آنکھ اوسکی

اجْزِهِ عَنَّا خَيْرَ مَا جَزَيْتَ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ وَاجْزِ

بدلا دی اوسکو بہت اچھا اوس سے کہ دیا تو نے کسی نبی کو امت اوسکی سی اور بدلا دی تو

الْأَنْبِيَاءَ كُلَّهُمْ خَيْرًا اللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى

سب نبیوں کو اچھا ای خدا درود اور سلام بھیج اوپر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَدَدَ مَا شَاهَدَتْهُ الْأَبْصَارُ وَسَمِعَتْهُ

سردار ہمارے محمد کی شمار اوسکی کہ دیکھیں اوسکو بینائیاں اور سنیں اوسکو

الْآذَانُ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ عَدَدَ مَنْ صَلَّى

کان اور درود اور سلام بھیج اوپر اوسکی بشمار اوسکی کہ درود بھیجی

عَلَيْهِ وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ عَدَدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ

اوپر اوسکی اور درود اور سلام بھیج اوپر اوسکی شمار اوسکی کہ نہ درود بھیجی اوپر اوسکی

وَصَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُصَلَّى عَلَيْهِ

اور درود اور سلام بھیج اوپر اوسکی جیسا کہ چاہتا ہی تو اور خوش ہی تو یہ کہ درود بھیجا جائی اوپر اوسکی

وصلّ وسلّم عليه كما امرتنا ان نصلّي عليه و

اور درود اور سلام بھیج اوپر اوسکے جیسا کہ حکم کیا تو نے ہمکو یہ کہ درود بھیجیں ہم اوپر اوسکے اور

صلّ وسلّم عليه كما ينبغي ان يصلّى عليه اللّهمّ صلّ

درود اور سلام بھیج اوپر اوسکے جیسا کہ سزاوار ہی یہ کہ درود بھیجا جاوی اوپر اوسکے اے خدا درود

وسلّم عليه وعلى اله عدد نعماء الله تعالى وافضاله

اور سلام بھیج اوپر اوسکے اور اوپر ال اوسکی کی بشمار نعمتوں خدا کی کہ برتر ہی اور افزائشوں

اللّهمّ صلّ وسلّم عليه وعلى اله واصحابه واولاده و

اے خدا درود اور سلام بھیج اوپر اوسکے اور اوپر اولاد اوسکی اور اوپر یاران اوسکی اور گروہ

ازواجه وذرّيّته واهل بيته وعترته وعشيرته

بی بیوں اوسکے اور اولاد اونکی کی اور گھر کی لوگوں اونکی سے اور قبیلے اونکی کی

واصهاره واتباعه واشياعه وانصاره

اور خویشوں اونکی کی اور پیرووں اونکی کی اور گروہ اونکی کی اور یاروں اونکی کی

خزنة اسراره ومعادن انواره كنوز

نگہبان بھیدوں اوسکے اور کان نوروں اوسکی کی گنج

الحقائق وهداة الخلائق ونجوم الاهتداء

اصلوں کی اور رہنما مخلوقات کی اور ستارے رہنمائی کی

لِمَنْ قَدْ أُوذِيَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

واسطی اوسکی کہ ستری کری اونکی اور سلام بہیج تو سلام بہیجنا بہت

دَائِمًا أَبَدًا وَارْضَ عَنْ كُلِّ الصَّحَابَةِ

ہمیشہ ہمیشہ اور خوش ہو تو تمام یاروں سے

رِضًى سَرْمَدًا عَدَدَ خَلْقِكَ وَزِنَةَ عَرْشِكَ

خوشی ہمیشہ کی شمار خلق اپنی کی اور بمقدار گرانی عرش اپنی کی

وَرِضَى نَفْسِكَ وَمِدَادَ كَلِمَاتِكَ كُلَّمَا

اور خوشی ذات اپنی سے اور سیاہی کلموں اپنی کی جب کہ

ذَكَرَكَ ذَاكِرٌ وَكُلَّمَا سَهَى عَنْ ذِكْرِكَ

یاد کری تیری کوئی یاد کرنیوالا اور جبکہ بہولائی یاد تیری سے

غَافِلٌ صَلَوٰةً تَكُونُ لَكَ رِضًا وَلِحَقِّهِ أَدَاءً

کوئی غافل وہ درود کہ ہو تیری لیئی خوشی اور حق اونکی کی ادا

وَلَنَا صَلَاحًا وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ

اور ہماری لیئی بہتری اور دی تو اوسکو مقام وسیلہ کا اور بڑائی کا

وَالدَّرَجَةَ الْعَالِيَةَ الرَّفِيعَةَ وَابْعَثْهُ

اور مرتبہ بلند بلند اور بہیج تو

المقام المحمود واللواء المعقود والحوض المورود

مقام ستودہ مین اور نشان بستہ اور حوض کوثر کہ وارد ہونگی بہت لوگ اوسپر

وصل یا رب علی جمیع اخوانہ من الانبیاء

اور درود بھیج ای خدا اوپر سب بھائیون اوسکی کی کہ ہے

والمرسلین والاولیاء والصالحین والشهداء

اور پیغمبر اور اولیا اور نیک بخت ہین اور شہیدون

والصدیقین والملائکة المقربین وعلی سیدنا

اور صدیقون اور فرشتون نزدیک پر اور اوپر سردار ہماری

الشیخ محی الدین عبد القادر الامین صلوات

بزرگ محی الدین عبد القادر پر کہ امانت دار ہین درود بھیجو

الله علیهم اجمعین اللهم صل وسلم علی سیدنا

خدا کی اوپر اون سبکے ای خدا درود بھیج اور سلام اوپر سردار ہمارے

محمد السابق للخلق نوره الرحمة للعالمین ظهوره

محمد کی کہ پہلی سب خلق کی ہی نور اونکا رحمت ہی واسطی عالم کی ظہور اونکا

عدد ما مضی من خلقك وما بقی ومن سعد منهم

بشمار اوسکی کہ جو گذرا ہو خلق تیری سی اور جو باقی رہا اور جو کہ نیکبخت ہوا اونسی

وَمِنْ شَقِیَ صَلٰوۃً تَسْتَغْرِقُ الْعَدَّ وَتُحِیْطُ بِالْحَدِّ

اور جو بدبخت ہوا ایسا درود کہ گھیر لی گنتی کو اور احاطہ کری نہایت کو

صَلٰوۃً لَا غَایَةَ لَهَا وَلَا انْتِهَاءَ وَلَا اَمَدَ لَهَا وَلَا

وہ درود کہ نہ حد ہوا اوسکے اور نہ نہایت اور نہ اندازہ اوسکا اور نہ

انْقِضَاءَ صَلَوَاتِكَ الَّتِیْ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ صَلٰوۃً

تمامی اوسکی درود تیرا وہ درود کہ درود بھیجا تو نی اوپر اوسکی درود

مَعْرُوْضَةً عَلَیْهِ مَقْبُوْلَةً لَدَیْهِ صَلٰوۃً دَائِمَةً

عرض کیا گیا اوپر اوسکی قبول کیا گیا نزدیک اوسکی درود ہمیشہ رہنی والا

بِدَوَامِكَ بَاقِیَةً بِبَقَائِكَ لَا مُنْتَهٰی لَهَا

ساتھ ہمیشگی تیری کی باقی ساتھ بقا تیری کی نہ انتہا اوسکی ہو

دُوْنَ عِلْمِكَ صَلٰوۃً تُرْضِیْكَ وَتُرْضِیْهِ وَتَرْضٰی

نزدیک علم تیری کی درود کہ خوش کری تجکو اور خوش کری اوسکو اور خوش ہو

بِهَا عَنَّا صَلٰوۃً تَمْلَاُ الْاَرْضَ وَالسَّمَاءَ صَلٰوۃً تُحَلُّ

سبب اوسکی ہمسی ایسا درود کہ بھر دی زمین اور آسمان کو وہ درود کہ کھولی جاوی

بِهَا الْعُقَدُ وَتُفَرَّجُ بِهَا الْكُرَبُ وَیَجْرِیْ بِهَا

سبب اوسکی گرہیں مشکل اور دور کری جاوی اوس سی سختیاں اور جاری ہو سبب اوسکی

لطفك من امري وامور المسلمين وبارك لنا

مہربانی تیری میری کامون اور کامون مین سب مسلمانون کی اور برکت دی تو ہمین

على الدوام وعافنا واهدنا واجعلنا

اوپر ہمیشگی کے اور بچا تو ہمین اور راہ بتا اور کر ہمکو

امنين ويسر امورنا مع الراحة بقلوبنا

نڈر اور آسان کر کام ہماری ساتھ آرام کی ساتھ دلون ہمارے کے

وابداننا والسلامة والعافية في ديننا

اور بدنون ہماری کی اور سلامتی اور تندرستی کی بیچ دین

ودنيانا واخرتنا وتوفنا على

اور دنیا اور آخرت کے اور مار تو ہمین اوپر

الكتاب والسنة واجمعنا

قرآن اور طریقہ پیغمبر کے اور اکٹھا کر ہمین

معه في الجنة من غير عذاب

ساتھ حضرت کی بیچ بہشت کی بغیر عذاب کے

يسبق وانت راض عنا غير غضبان

کہ پہلے ہو درحالیکہ تو خوش ہو ہمسی نہ خفا

وبجات از آفات وبعضی عدم تاسف بر مافات وظاهر وزی والمرفقة است ۱۲ معنی سلامت نفی عوارض و آفات و عدم طوق مکاره وعافیت درعرف عام سلامتی جسم وصحت بدن ونزد اهل خصوص سلامتی از نقائص در دنیا و آخرت است

کما قال الله تعالی انعم الله علیهم صلی الله علیه وسلم

غضبان ولا تمكر بنا واختم لنا منك بخير

خفا اور نہ آزما ہمین اور خاتمہ کر ہمارا اپنی طرف سی بخیر

وعافية ولا محنة اجمعين سبحان ربك

اور عافیت بغیر محنت کی سبکا پاکی سی یاد کرتا ہون پروردگار کو

رب العزة عما يصفون وسلام على

پروردگار بزرگی کا اوس سی جو بیان کرتی ہین مشرک اور سلامتی اوپر

المرسلين والحمد لله رب العالمين

پیغمبرون کی اور سب تعریف ہی جو پالنی والا عالم کا ہے

ازلت يا ريح الصبا يوما الى ارض الحرم

اگر پہنچی تو ای ہوا کیسے دن زمین بزرگ تک کہ منزلہ مکہ ہے

بلغ سلامى روضة فيها النبى المحترم

پہنچا تو سلام میرا اوس روضہ مین جس مین نبی بزرگ ہین

من وجهه شمس الضحى من خده بدر الدجى

مونہہ اپنی سی آفتاب چاشت رخسار سی ماہ تمام تاریکی

من ذاته نور الهدى من كفه بحر الهمم

ذات اپنی سی روشنی رہنمائی کی ہتھیلی اپنی سی دریا ہمتون کے

بعد الحمد علی احسانه که این درود مکرم معظم موسوم بکبریت احمر که
فی الحقیقت برائی برآمد مطالب دینی و دنیوی اسم بامسمی
است بدو وجه یکی آنکه فضائل مطلق درود از مقدمات که
قبل این درود ضم کرده شد باید دریافت دوم کلام مقبول لیست
که بعد از صحابه کبار و وجود باجود ائمه اطهار بهتری ازو بظهور نرسیده
اعنی محبوب سبحانی قطب ربانی غوث الصمدانی محی الدین عبد القادر
جیلانی قدس الله سره العزیز و چیزی از مناقب آنجناب هم در
مقدمات مذکور شد باید دید درین اوان میمنت اقتران باختتام رسید
و کارپردازان مطبع حسنی میر حسن رضوی بطبع پر نفع این کیمیای
سعادات و اکسیر برکات شرف و مباهی گردیدند و ذخیره اندوز
حیات جاوید شدند الحمد لله علی ذلک حمدا کثیرا

قطعه تاریخ خاتمه طبع

طبع چون کبریت احمر شد باحسان خدا	عطور تاریخش مس مکرم زر خالص نمود
مصرع مقبول شد گر زوری گبت گفته ام	معدن انوار خوش شد مطبع از طبع درود
	۶۰ ۱۲۰

این اسماء حسنی معہ خواص و اعمال کہ در اوراد چشتیہ شاہ عبد الرحمن چشتی صابری مرقوم بودند بنا بر نفع عوام در ینمقام ثبت گردید و اللہ الموفق للخیر

بسم اللہ الرحمن الرحیم

۱ یا اللہ — ای خدا	۲ یا رحمن — بہت مہربان	۳ یا رحیم — بہت بخشنے والا	۴ یا ملک — بادشاہ
۵ یا قدوس — پاک بری بات سے	۶ یا سلام — بی عیب	۷ یا مؤمن — ایمان دینے والا	۸ یا مہیمن — نگہبان
۹ یا عزیز — غالب [illegible]	۱۰ یا جبار — زبردست	۱۱ یا متکبر — بزرگ	۱۲ یا خالق — پیدا کرنیوالا
۱۳ یا باری — بیانند خالق سب کا	۱۴ یا مصور — صورت بنانیوالا	۱۵ یا غفار — نہایت بخشنے والا	۱۶ یا قہار — غالب سب پر
۱۷ یا وہاب — بیعوض دینے والا	۱۸ یا رزاق — روزی دینے والا	۱۹ یا فتاح — کہولنے والا	۲۰ یا علیم — بڑا دانا
۲۱ یا قابض — تنگ کرنیوالا روزی کا	۲۲ یا باسط — روزی کہولنے والا	۲۳ یا خافض — پست کرنیوالا دشمن کا	۲۴ یا رافع — بلند کرنیوالا

يا معز عزت دینے والا	يا مذل خوار کرنے والا	يا سميع سننے والا	يا بصير خوب بینا
يا حكم حکم کرنے والا	يا عدل منصف	يا لطيف باریک بین	يا خبير آگاہ
يا حليم بردبار	يا عظيم بزرگ	يا غفور بخشنے والا	يا شكور قبول کرنے والا شکر
يا علي برتر	يا كبير بزرگ سب سے	يا حفيظ نگہبان	يا مقيت روزی دینے والا
يا حسيب کفایت کرنے والا	يا جليل بزرگ	يا كريم صاحب کرم	يا رقيب نگہبان
يا مجيب دعا قبول کرنے والا	يا واسع فراخ عطا	يا ودود دوست نیکوکار	يا مجيد صاحب بزرگی
يا حكيم استوار کار	يا باعث اٹھانے والا	يا شهيد حاضر	يا حق سزاوار عبادت
يا وكيل ضامن	يا قدير توانا	يا متين استوار کار	يا ولي مددگار

یا حمید ستوده	یا محصی شمار کرنیوالا	یا مبدی آغاز کرنیوالا	یا معید پیدا کرنیوالا بعد
یا محیی زنده کرنیوالا	یا ممیت مارنی والا	یا حی زنده همیشه	یا قیوم قایم رکهنی والا
یا واحد ایک حقیقت میں	یا احد بی شریک	یا صمد بی نیاز	یا قادر توانا
یا مقتدر زبردست	یا مقدم پیش کرنیوالا	یا موخر پیچهی کرنیوالا	یا اول پهلی سب سی
یا آخر باقی بعد سبکی	یا ظاهر آشکارا	یا باطن پوشیده	یا والی مالک سبکا
یا متعالی برتر سب سی	یا بر نیکوکار	یا تواب توبه قبول کرنیوالا	یا منعم نعمت دینیوالا
یا منتقم عوض لینیوالا	یا عفو معاف کرنیوالا	یا رؤف بهت مهربان	یا رب پالنیوالا سبکا
یا ماجد بزرگ	یا واجد تونگر	یا مقسط داد دینیوالا	یا جامع جمع کرنیوالا

يَا غَنِيُّ بی پروا	يَا مُغْنِي بی پروا کرنیوالا	يَا مُعْطِي عطا کرنیوالا	يَا مَانِعُ باز رکھنی والا
يَا ضَارُّ ضرر دینی والا	يَا نَافِعُ نفع دینی والا	يَا نُورُ خود ظاہر ہونیوالا	يَا هَادِي راہ نما
يَا بَدِيعُ پیدا کرنیوالا	يَا بَاقِي ہمیشہ ہی	يَا وَارِثُ رہنی والا سبکے بعد	يَا رَشِيدُ بہت تدبیر

يَا صَبُورُ
جلدی نکرنیوالا

الحمد لله والمنة که نود و نه نام باریتعالی معه ترجمه و خواص در مطبع حسنی میر حسن رضوی ولد میر حسین عرف میر کامل صانهما الله عن شر الدنیا و اعطاهما الله حسن ثواب الآخره

در سنه ۱۲ هجری پیرایه اختتام پوشید

قطعه تاریخ خاتمه طبع

چو کبریت احمر حسن طبع فرمود
خوش اظهر رقم و بهنگام طبعش

بسی صرف کرده زر و سیم و گوهر
چه گردید مطبوع کبریت احمر

تمام شد

بخواند بی نیاز گردد ۱۲ جمالی
خاصیت آبی هر که مداومت کند محتاج سوال نگردد ۱۲ جمالی

خاصیت آبی ۱۲ جمالی
خاصیت خاکی ۱۲ جمالی
خاصیت آتشی ۱۲ جمالی
خاصیت بادی ۱۲ جمالی
خاصیت خاکی ۱۲ جمالی
خاصیت خاکی ۱۲